

جنگ و تجاوزهای آشکار نظامی رژیم اسرائیل و آمریکا را در تاریخ ۲۳ خرداد و ۹ اسفند ۱۴۰۴، با تاسف و خشم و غم شاهد بودیم. بدون شک، مادر این جنگ‌ها، مانند همه جنگ‌های دیگر، جنگ روانی است! منافع قدرت‌ها در جنگ‌ها، به‌ویژه جنگ‌های روانی، به هم گره خورده است، و چون ظرف مرتبته، به هم وابسته و بلکه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند. اولین باری که شعار «رضا شاه، روح شاد» سر داده شد، در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ در شهر مذهبی و امنیتی مشهد و آن هم در حوالی مسجد گوهرشاد بود که به مخالفان حسن روحانی نسبت داده شد، با قصد بحران‌سازی و بی‌ثباتی‌سازی در حکومت وی. علم‌الهدی به اتفاق دامادش ابراهیم رئیسی، با حسن روحانی که برای بار دوم به ریاست جمهوری «انتخاب» شده بود، رقابت و تقابل داشتند.

از سوی دیگر با انتصاب دیوید بارنیا (Barnea) به ریاست موساد در رژیم اسرائیل، تمرکز بر تخا صم با ایران و ایرانیان، گسترش چشمگیری پیدا کرد. به دستور وی، تغییرات اساسی در جنگ روانی علیه ایران و ایرانیان آغاز گردید و افزایش کیفی و کمی بی‌سابقه‌ای پیدا کرد. به عقیده و باور با رنیا، تغییر حکومت ('رژیم چنج') از دو مسیر قابل اجراست: یکی از «بالا» و توسط جامعه سیاسی و نخبه‌های دولتی، و دومی از «پایین» توسط جامعه مدنی. لازم به یادآوری و تاکید است که بدون افراد خائن به ایران و ایرانیان و مهره‌های 'ایرانی' وابسته به قدرت‌های خارجی به عنوان «آپوزیسیون» و «بدیل»، هر گونه دخالت نظامی برای تغییر حکومت ('رژیم چنج') غیر ممکن است. بلافاصله بعد از فروپاشی رژیم ولایت پهلوی، قدرت‌های خارجی به‌خصوص با عاملیت رژیم اسرائیل و آمریکا، بی‌ثباتی‌سازی‌ها و بحران‌سازی‌ها در وطن ما را آغاز کردند. خشونت‌گستری‌های اجنبیان، در کوردستان و سایر مناطق مرزی ایران، بسیار بیشتر از سایر نقاط ایران بوده است. در تمام این موارد این دشمنی‌های قدرت‌های خارجی، بدون مهره‌های وابسته قدرت‌پرست داخلی، قطعا غیرممکن بوده، و هست، و خواهد بود!

اکنون چندین دهه است که قدرت‌های خارجی برای ساختن «آپوزیسیون» و «بدیل» وابسته و غیرمستقل و مطلوب خود، تلاش‌های فراوان کرده‌اند. ولی آن‌ها به دلیل اهمیت استقلال در فرهنگ ایرانی و ایرانیان، از ساختن چیزی بهتر از پهلوی عاجز بوده‌اند! این تزویرهای جنگ روانی قدرت‌ها علیه مردم بود که بالاخره در جنبش مهسا در ۱۴۰۱ این پهلویِ ناچیز را چیز کردند! در شعار «زن، زندگی، آزادی» نکته‌ی اساسی یعنی استقلال مغفول ماند و آن شعار فرصت‌کامل شدن و تبدیل به شعاری «زن، زندگی، استقلال، آزادی» را نیافت! در نتیجه «توییت‌گیت»، و «وکالت‌گیت»، و «منشور مهسا گیت» عرصه را برای جولان خالی دید!

پهلوی و شرکا، با همراهی نادانسته و ناخواسته برخی ایرانیان گول‌خورده، و در واقع شکست‌خورد ه در جنگ روانی، جنبش ۱۴۰۱ را از جوشش انداختند، و زمینه افزایش طول عمر رژیم ولایت فقیه را فراهم ساختند!

ابعاد خشونت‌های سیاسی، و فرهنگی، و اجتماعی، و روحی-احساسی-

روانی، و نیز خشونت‌های اقتصادی افزایش یافت تا رسیدیم به سال ۱۴۰۴ که خشونت‌های فیزیکی و نظامی را بر سر ما خراب کردند! ابعاد کیفی و کمی جبهه‌های جنگ روانی باز هم شدت و حدت بیشتری گرفت.

به دستور ترامپ و شرکا، حجم و هجمه عملیات شروع جنگ در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، طوری طرح‌ریزی شد که مانند تجاوز به عراق به صورت « shock and

awe» باشد به این معنا که با رعب و وحشت و ترس و حیرت بیش از حد باشد تا باعث افلیجی گسترده در مردم و قوای نظامی گردد. ولی ترامپ دستور داد که حجم و هجمه شروع عملیات تجاوز به ایران، چندین برابر تجاوز به عراق باشد، و چنین شد! در همان ساعات اول تعداد زیادی از مقامات بالای کشوری و لشکری و دانشمندان هسته‌ای و موشکی و پهپادی (برخی را با تعداد از اعضای

خانواده و نزدیکان و بستگان) را به قتل رساندند، و قرار بود تمام تاسیسات هسته‌ای و موشکی و پهپادی ایران را کاملاً از بین ببرند، و قرار بود با پشتیبانی آتش هوایی متجاوزان:

قرار بود پیشمرگه و سایر گروههایی که بنا بر اعتراف‌های مکرر خودشان، و بر اعتراف‌های ترامپ و شرکا، سال‌ها از متجاوزان اسلحه و تعلیمات و پول و تریبون و رانت رسانه‌ای می‌گیرند، به عنوان پیاده‌نظام متجاوزان (بخوانید گوشت دم توپ برای نتانیا‌هو و ترامپ!)، به خاک و ظن ما وارد شوند!

قرار بود مردم مناطق مرزی میهن، با شیرینی و گل به پیشواز و پشتیبانی و همراهی این مزدوران خودفروخته بیایند!

قرار بود این مزدوران و وطن‌فروشان، به قوای نظامی/انتظامی وفادار به وطن و هموطنان حمله کنند و بعد از درگیری و کشتار هر کسی که دم دستشان بیاید، تسلیحات آن‌ها را به غنیمت بگیرند!

قرار بود بعد از ورود به خاک ایران، چند شهر و منطقه مرزی را به اشغال خود در بیاورند!

قرار بود مزدوران و وطن‌فروشان به اتفاق، تعداد بیشتری شهر و روستا را تصرف کنند!

قرار بود با پشتیبانی هوایی بسیار سنگین متجاوزان اجنبی (از جمله بنا بر اعتراف شوشانی Lt.

Col. Nadav

Shoshani مقام سخن‌گو ارتشی رژیم اسرائیل) و منهدم کردن نیروهای نظامی و انتظامی، توانایی دفاعی ایران را به صفر متمایل کنند، و جاده را برای حرکت مزدوران و احزاب «اتنیکی» مسلح از مرزها به پایتخت هموار کنند!

قرار بود مردم مناطق پیرامونی و مرزی میهن، بی‌صبرانه و مشتاقانه به متجاوزان بپیوندند!
(ولی نوزاد این قسمت از طرح مردن به دنیا آمد!! به طوری که حتی یکی از رهبران تشکیلات مسلح در عراق هشدار داد که مردم ایران بسیار وطن‌دوست هستند و این عملیات باعث متحد شدن ایرانیان

برای پیشگیری از تجزیه ایران خواهد شد! ترامپ هم از ترس شکست حتمی حمله مزدوران پیشم رگه و نتیجه عکس دادن این عملیات، آن را متوقف کرد و در گفتگو با خبرنگاران گفت:
... نمی‌خواهد کوردها کشته شوند!...

قرار بود بعد آن‌ها به سوی تهران روانه شوند و در مسیر، تعداد بیشتری از مردم به آن‌ها بپیوندند و به حرکت خود به سمت پایتخت ادامه دهند و در مسیر خود، هر ایرانی که به دفاع از وطن و هموطنان در مقابل آن‌ها بایستد و مقاومت کند را قتل عام کنند!

قرار بود بعد آن‌ها تهران را تسخیر کنند و میلیون‌ها نفر دیگر هم در تهران با جان و دل! به آن‌ها بپیوندند و باز هم تعداد بیشتری از ایرانیان مستقل و آزاده را به قتل برسانند!

قرار بود بعد آن‌ها به سوی تهران روانه شوند و در مسیر، تعداد بیشتری از مردم به آن‌ها بپیوندند و به حرکت خود به سمت پایتخت ادامه دهند و در مسیر خود، هر ایرانی که به دفاع از وطن و هموطنان در مقابل آن‌ها بایستد و مقاومت کند را قتل عام کنند!

قرار بود بعد آن‌ها تهران را تسخیر کنند و میلیون‌ها نفر دیگر هم در تهران با جان و دل! به آن‌ها بپیوندند و باز هم تعداد بیشتری از ایرانیان مستقل و آزاده را به قتل برسانند!

قرار بود بعد جمعیت میلیونی! استقبالی مانند آمدن خمینی، از آمدن پهلوی به عمل بیاورند و او را به عنوان 'رهبر' به کاخ سلطنتی ببرند و با دست خود بر سر خود سوار کنند!

قرار بود بعد نیروهای نظامی و انتظامی، یا به 'انقلابیون شیر و خورشیدی' بپیوندند، و یا اسلحه خود را زمین بگذارند و تسلیم شوند تا شاید مورد عفو ملوکانه قرار بگیرند، و قرار بود که 'ساواک' را بازسازی کنند، ولی با آنها با ملایمت برخورد شود!

قرار بود که ما همگی در مقابل نتانیاهو و ترامپ زانو بزنیم! و میهن خود را دو دستی تقدیم آن‌ها بکنیم!

و بعد قرار بود به 'دوران زرین پهلوی' باز گردیم و ایران دوباره کشور گل و بلبل شود! و مانند قبل از انقلاب ۱۳۵۷، در جویبارها شیر و عسل جاری شوند!

ولی خوب هیچ یک از آنچه که «قرار بود» واقع شود، اصلاً اتفاق نیفتاد! و در سطح خیال‌پردازی و توهم باقی ماند!!!

در ضمن قرار نبود که فرزندان دلیر ایران، از وطن و هموطنان خود چنان دفاع جانانه‌ای بکنند که دیدیم!

و قرار نبود که ایران به خود جرات چنین جسارتی را بدهد که به «بزرگترین ابرقدرت منطقه» اسرا نیل مسلح به سلاح هسته‌ای، در خاک خود آن‌ها، با عملیات دفاعی به مقابله‌ای غیرقابل تصور و پی‌ش‌بینی نشده پردازد! و قرار نبود که موشک‌ها و پهپادهای ایرانی از «گنبد آهنین» و سامانه آمریکایی THAAD «فلاخن داوود» و «پیکان-۲» و «پیکان-»

۳» و چند سیستم محافظ دیگر، و رادارها و رهگیرهای مختلف و ... و چند لایه دفاعی دیگر اسرا نیلی و امریکایی و نیز کشورهای متعددی دیگری که از زمین و هوا و دریا به کمک آن‌ها شتافت‌ند عبور کنند و تاسیسات و مناطق استراتژیک حساس نظامی و انتظامی و اطلاعاتی-

امنیتی رژیم اسرائیل را منهدم کنند!

و قرار نبود که ایران به خود جرات چنین جسارتی را بدهد که به پایگاههای «بزرگترین ابرقدرت دنیا» یعنی امریکای مسلح به سلاح هسته‌ای که به قول ترامپ 'بزرگترین ارتش تاریخ بشر' را دارد و ایران را در حلقه آتشی محاصره کرده و در دور تا دور میهن ما مستقر شده‌اند، آن حمله‌های باور نکردنی را انجام دهد و بسیاری از آن پایگاه‌ها و تاسیسات را از حیز انتفاع ساقط کنند!

و اصلا قرار نبود که ایرانیان در داخل و خارج از کشور، تلاش‌های موفق‌تری در احقاقِ حق آگاهی‌یابی، و در احقاقِ حق آگاهی‌رسانی، و در دفاع پیروزمندانه در جبهه‌های مختلف جنگ روانی از خود نشان بدهند به طوری که ژنرال‌های جنگِ روانی را در رژیم اسرائیل و امریکا تا این حد متشنج کنند! فراتر از این‌ها، اصلا قرار نبود که علی‌رغم تمام سخت‌ترین تحریم‌های تاریخی که در نزدیک به نیم قرن و از همه طرف علیه ایران اعمال شده، و با وجود نفوذ جاسوسان رژیم اسرائیل و امریکا (که گویا ادعای 'بزرگترین سامانه‌های اطلاعاتی' -

امنیتی' را در دنیا دارند) در میهن ما، به‌خصوص در قسمت‌های نظامی و اطلاعاتی - امنیتی ایران، ایرانیان بتوانند با اعتماد به نفس و با ابتکار و خلاقیت، موشک‌ها و پهپادهایی را بسازند که 'ابرقدرت‌های' دنیا و منطقه را بعد از ۱۲ روز مجبور به تقاضای آتش‌بس کنند! و قرار نبود که 'ابرقدرت‌ها' مجبور شوند که همه تلاش‌های خود را بکنند تا با تقلید از ابتکارات و ابداعات ایرانیان موشک و پهپادهای بومی ایرانی را کپی‌برداری کنند! و قرار بود که ما همیشه به دانش و تکنولوژی آن‌ها نیازمند و محتاج باشیم! و قرار نبود واقعیت بر عکس آن باشد!

* بعد از این همه خطاهای محاسباتی، گفتند ما فقط یک اشتباه کردیم! و آن فقط یک اشتباهی که

کردیم این بود که در جنگ ۱۲ روزه، باید خامنه‌ای را می‌زدیم!

خوب بعد در ۹ اسفند ۱۴۰۴ باری دیگر به میهن ما تجاوز کردند (به قول ترامپ:

'یک سفر تفریحی یکی دو سه روزه کوچکی'! « a little

excursion» دیگری را آغاز کردند!) و در همان روز اول خامنه‌ای را به همراه خانواده وی و چند

پن تن دیگر از مقامات لشکری و کشوری را زدند،

با شروع حملات در ۹ اسفند ۱۴۰۴، در همان ساعات و روزهای اول، باری دیگر تعداد زیادی از م

قامات بالای کشوری و لشکری و دانشمندان هسته‌ای و موشک و پهپاد و حتی استادان دانشگاه و

متخصصان فن‌آوری برق و انرژی و سایر زیرساخت‌های مدنی (برخی را با تعداد از اعضای خانواده و نزدیکان و بستگان) را به قتل رساندند، و قرار بود تمام تاسیسات هسته‌ای و موشکی و پهپاد ی ایران را کاملاً از بین ببرند (البته ترامپ در همان اول جنگ ۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ ادعا کرد که همه چیز را کاملاً «محو و نابود»

(obliterated) کرده است، و این ادعا را مکرراً تکرار کرده است! البته پرسیدنی است به چیزی که قبلاً «محو و نابود» کرده‌ای را چرا باید با تحمل این همه هزینه دوباره و چند باره مورد حمله قرار دهی و مگر می‌شود «محو و نابود» کرده را «محو و نابود» تر بکنی؟!، قرار بود با زدن و نابود کردن زیرساخت‌های مدنی چون پل‌ها، جاده‌ها، سدها، نیروگاه‌های برق، و انبارهای سوخت، دانشگاه‌ها، انستیتو پاستور و سایر موسسات علمی و تحقیقاتی و... تمدن ایران را نابود و محو کنند، و وطن ما را به عصر حجر باز گردانند،....

با علم به این‌که جنگ روانی، مادر همه جنگ‌هاست، این‌بار متجاوزان، برای تضمین پیروزی جنگ فیزیکی، از مدتی قبل از تجاوزهای نظامی جدید به ایران، ابعاد کیفی و کمی آتش جنگ را در جبهه‌های مختلف جنگ روانی، به شکل بی‌سابقه‌ای شعله‌ور ساختند. مثال‌هایی از جبهه‌های مختلف این جنگ روانی در قبل از ۹ اسفند را در ذیل می‌آوریم:

به اعتراف اسکات بسنت (Bessent) وزیر خزانه‌داری آمریکا، نرخ دلار را به سرعت بالا بردند و ابعاد تروریسم اقتصادی آمریکا را وارد مرحله جدیدی کردند، که این‌گونه خشونت‌های اقتصادی، فشارهای معیشتی تحریم‌های چند دهه‌ای را صدچندان کند، و کرد! و جرقه اعتراضات جدیدی در تاریخ ۷ دی ۱۴۰۴ در بازار تهران شروع شد و جنبش به سرعت به سایر نقاط تهران و سایر شهرها سرایت کرد! یک روز بعد، یعنی ۱۹ دسامبر ۲۰۲۵ نتانیاهو به آمریکا می‌رود و با ترامپ یک ملاقات خصوصی داشت و بعد باز هم در ادامه جنگ روانی، ترامپ اعلام می‌کند که ممکن است که برای نابود کردن برنامه موشکی و اتمی، به ایران حمله کند! و در همان کنفرانس رسانه‌ای، ادعا کردند

که رژیم هر کس در ایران اعتراض کند را می‌کشد. ولی این در حالی بود که تظاهرات بدون خشونت پیش می‌رفت. حتی برخی ویدیوهای کوتاه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شدند که فرمانده یک گروه از قوای سرکوب به زیردستان خود دستور می‌داد که حتی اگر به شما سنگ و آجر هم پرتاب کردند ، به مردم تیراندازی نکنید!

در ۱۳ دی ۱۴۰۴ (شنبه، ۳ ژانویه ۲۰۲۶) ترامپ اعلام می‌کند که اگر رژیم، دست به کشتار ایرانیان بزند، امریکا برای پشتیبانی از مردم، به ایران حمله خواهد کرد! تقریباً از این زمان است که خشونت‌ها در خیابان‌ها بیشتر می‌شوند. ترامپ در ۱۵ دی‌ماه تکرار می‌کند که برای حمایت از مردم، ایران را مورد حمله قرار خواهد داد.

بعد پهلوی اولین فراخوان خود را برای تظاهرات در ساعت ۸ شب پنجشنبه ۱۸ و جمعه ۱۹ دی (۸ و ۹ ژانویه) منتشر می‌کند! وی در پیامی دیگری در شب ۱۸ دی‌ماه در پیام ویدیویی دیگری ادعا می‌کند که حضور گسترده مردم باعث شده که سرکوب مردم به حداقل خود برسد! و به مردم می‌گوید که دیگر تردیدی در اعتراضات نکنید و در اعتراضات فردا (۱۹ دی‌ماه) حتما شرکت کنید! به علت رو‌ی‌کرد ناچیز مردم به فراخوان پهلوی، و چون قدرت‌های خارجی با بمب و موشک و از هوا نتوانستند به مقاصد شوم خود برسند، عملیات کشته‌سازی به اجرا در می‌آید که با جریحه‌دار کردن احساسات مردمی، زمینه‌سازی لازم را در افکار عمومی برای تجزیه و تکه‌پاره کردن ایران فراهم می‌آورند. پهلوی در ۱۹ دی‌ماه یعنی ۹ ژانویه ۲۰۲۶ به انگلیسی و خطاب به ترامپ در شبکه‌بندی‌های اجتماع ی می‌نویسد:

«...برای کمک به مردم، لطفا آماده باش که در ایران وارد مداخله شوی.» برخی مقامات امریکایی

مانند لیندزی گراهام هم خطاب به مردم ایران می‌گویند:

«کابوس طولانی ایرانیان به زودی به پایان میرسد! کمک در راه است!

در یکشنبه ۲۱ دی ماه، یعنی بعد از کشتار ۱۸ و ۱۹ دی، پهلوی در یک پیام ویدیویی جدید در شب کهبندی های اجتماعی بر فراخوان دوم خود تاکید می کند و باز هم از مردم می خواهد که در ساعت ۶ بعدازظهر همان روز به خیابان ها بیایند و می گوید «از همه شما می خواهم که این بار به صورت گروه ی، با دوستان و اعضای خانواده به خیابان های اصلی شهرها بروید» و از ایرانیان خارج از کشور می خواهد که آنها هم به خیابان ها بروند و از ترامپ تقاضا کنند که به ایران حمله کند!

طرح کشته سازی های ۱۸ و ۱۹ دی ماه و افول جنبش بعد از این فاجعه، از جمله برای این بود که به افکار عمومی ایران بقبولانند که ایرانیان خود توانا به سرنگونی رژیم نیستند و نیازمند 'مداخله بشردوستانه' قشون خارجی برای 'رژیم چنج' هستند! و در عین حال با چندین و چند برابر کردن آمار کشته شده ها (عدد ۱۵۰ هزار نفر هم شنیده شد) افکار عمومی غیرایرانیان را آماده پذیرش روایت 'مداخله بشردوستانه' برای 'رژیم چنج' و نجات جان ایرانیان بکنند!

بعد از موفقیت در کشته سازی های ۱۸ و ۱۹ دی ماه به عنوان یک زمینه سازی مناسب، و با شکست خوردن بسیاری از مردم در جنگ روانی، و با پروپاگاندا و آماده سازی افکار عمومی، رژیم اسرانیل و امریکا خود را آماده دیدند که ضربه نهایی را برای تجزیه و تکه پاره کردن ایران و 'رژیم چنج' به ایران و ایرانیان وارد کنند و فرقه ولایت پهلوی را حاکم بر ایران کنند!

در ۹ اسفند ۱۴۰۴ برابر با ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، با شروع مجدد تجاوزات رژیم اسرانیل و امریکا، پهلوی می گوید «کمکی که رییس جمهور امریکا به مردم ایران وعده داده بود، اکنون رسیده است! این یک 'مداخله بشر دوستانه' است!» و ادعا می کند که «هدف این حمله مردم و کشور ایران نیست!» البته در این «مداخله بشر دوستانه» بسیاری از زیرساخت های مدنی و صنعتی ایران مانند صنایع فولاد، گاز، نفت، پتروشیمی، برق، راه آهن، جاده ها و پل ها و... مورد هدف و تخریب قرار می گیرند! و اسرانیل مانند جنگ ۱۲ روزه، تعداد زیادی از متخصصان ایرانی را در شهرها و روستاهای مخ تلف پیدا می کند و آنها را به قتل می رساند. این تروریسم دولتی رژیم اسرانیل بسیار فراتر از دانشم

ندان صنایع نظامی رفت و حتی استادان دانشگاه و متخصصان زیرساخت‌ها و تاسیسات مدنی را هم به قتل رساند.

قرار بود این بار دیگر با ترور علی خامنه‌ای و تعداد بیشتری از مقامات کشوری و لشکری، و با بمباران‌های بسیار شدیدتر، شیرازۀ ایران، حداکثر در یکی دو سه روز، از هم بپاشد و میهن ما تجزیه و تکه‌پاره شود!

وقتی ایرانیان دلیر، دفاعی جانانه‌تر از تجاوزهای ۱۲ روزه از خود نشان دادند، متجاوزان تقاضای آتش‌بس و مذاکره کردند! ولی بعد از دوبار تجاوز نظامی در حالی که مذاکرات صلح داشت به نتیجه می‌رسید، ایران پیش‌نیازهایی را برای پذیرش پایان تخاصم مطرح کرد.

البته این بار هم قرار بود با پشتیبانی آتش‌هوایی متجاوزان، پیش‌مرگه و سایر گروه‌های مسلح مزدور به داخل میهن ما حمله‌ور شوند و همان نقشه قشون‌کشی و حرکت تا تصرف تهران و تجزیه و تکه‌پاره کردن ایران را عملی کنند! قرار بود، ولی باز هم نشد!

سرانجام بعد از چهل روز دفاع موثر ایرانیان در مقابل تجاوزهای بی‌سابقه، باری دیگر، هم به علت خرابی‌های حاصل از این دفاع ایرانیان در اسرائیل و در تاسیسات و پایگاه‌های امریکا در منطقه، و هم به علت کاهش بحرانی ذخایر تسلیحات آفندی و وسایل و سیستم‌های پدافندی متجاوزان، آتش‌بس در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ اعلام شد، آن هم یک «آتش‌بس موقت دوهفته‌ای»! امروز بعد از گذشت نزدیک به شش هفته از «آتش‌بس موقت دوهفته‌ای» متجاوزان هنوز این جرات را پیدا نکرده‌اند که تجاوزات را از سر گیرند و از عواقب آن هراسناک هستند! در این هراس، مذاکرات و تهدیدات برای فراهم کردن یک راه فرار «آبرومندانه» که متجاوزان بتوانند اعلام پیروزی کنند، بدون هیچ نتیجه‌ای ادامه داشته است.

مذاکرات غیرمستقیم، توسط واسطه‌ها، تا این زمان در رفت و آمد شده است، ولی به شکلی که مطالبات امریکا از ایران، غیرقابل بازگشت هستند، و البته در مقابل، آنچه امریکا حاضر به تقبل شده، ه

مه قابل لغو و بازگشت به همان وضعیت در مدت نزدیک به نیم قرن گذشته و بدتر از آن است! به این ترتیب، ایران زورگویی ترامپ و شرکا را نپذیرفته است!

به علت مقاومت و تسلیم نشدن ایرانیان، ترامپ چندین بار با عصبانیت ایران و ایرانیان را مورد تهدیدات تجاوز و تهاجم آخرالزمانی قرار داده است. مشخصاً چند بار برای شروع مجدد تجاوزهای نظامی، روز و ساعت تعیین کرده، و فقط دو سه ساعت قبل از پایان مهلت، دستور آغاز حملات را لغو کرده است. بدین ترتیب در واقع برای حدود ۹۰ میلیون ایرانی، وضعیتی را به وجود آورده‌اند که در زندان‌های سیاسی، زندانیان را مورد شکنجه‌های روانی قرار می‌دهند، و او را تا پای طناب دار می‌برند و حتی طناب را هم به گردنش می‌اندازند، و بعد از صحنه‌سازی این اعدام مصنوعی، او را پای می‌آورند و به سلول انفرادی بازمی‌گردانند.

آخرین سنجش افکار عمومی آمریکا، ترامپ را در نامحبوب‌ترین و بدترین موقعیت خود نشان می‌دهد. همین‌طور که قیمت بنزین/سوخت بالا می‌رود، و نرخ تورم افزایش می‌یابد، آمار بیشتری از مردم آمریکا ترامپ را در رابطه با تجاوز به ایران مؤاخذه و سرزنش می‌کنند. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره هم در پیش است، و به نظر می‌رسد که حزب جمهوری‌خواه، چند صندلی را از دست بدهد. ترامپ و شرکا در آمریکا وضعیت خود را در صورت ادامه یافتن جنگ، بد می‌بینند و بدتر پیش‌بینی می‌کنند. ولی نتانیاهو و شرکا و لابی رژیم اسرائیل، مانع بزرگی برای پایان جنگ بدون دست یافتن به تجزیه و تکه‌پاره شدن ایران و 'رژیم چنج' هستند و تا به حال برای ادامه جنگ موفق بوده‌اند.

یکی از بازنده‌های اصلی این ماجرا، فرقه ولایت پهلوی و شرکا است. گرچه برای یک وطن‌فروش، آبرو و حیثیت هیچ معنایی ندارد، تمام آن بودجه و هزینه باد کردن بادکنک توخالی پهلوی و گروه‌های مسلح وابسته به قدرت‌ها، به نتیجه مطلوب آن‌ها یعنی تجزیه و تکه‌پاره کردن ایران و تغییر رژیم و 'رژیم چنج' و گماشتگی پهلوی برای حاکمیت بر ایران، نرسید!

ولی این مقاومت ایرانیان بوده است که با وجود رژیم سفاک حاکم بر کشور، دنیا را وارد عرصه جدیدی کرده. علی‌رغم تمام کارشکنی‌های نتانیا‌هو و شرکا و لابی رژیم اسرائیل برای اینکه جنگ ادامه پیدا کند، دیر یا زود، جنگ تمام خواهد شد.

تا این زمان به نظر می‌رسد که ایران در مذاکرات، دست بالا را دارد.

وقتی این جنگ به هر شکلی و تحت هر شرایطی به پایان برسد:

نه رژیم‌های حاکم بر کشورهای منطقه، و به‌خصوص در خلیج فارس همان رژیم‌های سابق خواهند ماند و نه مردم آن کشورها،

نه رژیم اسرائیل و آمریکا آن رژیم‌های سابق هستند، و نه دست‌نشانندگان آن‌ها، و نه جاسوسان و مهره‌های وطن‌فروش وابسته به آن‌ها! مخالفت‌های زیادی در خود رژیم اسرائیل در رابطه با عملیات جنگی روانی موساد (با ریاست جدید دیوید بارنیا) برای حمله گازانبری از پایین (به خیابان کشیدن مردم و کشته‌سازی‌ها) و از بالا (با استفاده از جاسوسان نفوذی در رده‌های بالای پرسنل کشوری و لشکری رژیم، و با استفاده از جامعه سیاسی وابسته از جمله میلشای مسلح «اتنیکی»، و با استفاده از مهره‌های وابسته خائن به ایران و ایرانیان) وجود داشت. این مخالفت‌ها و انتقادات (از جمله توسط یوسی کهن، رئیس قبلی موساد تا سال ۲۰۲۱. کهن معتقد بود که اسرائیل هر چقدر هم تلاش کند، اصلاً در کشوری مثل ایران و با مردمی مثل ایرانیان، نمی‌تواند ابعاد تظاهرات را به سال ۱۳۵۷ برساند!)، بعد از شکست این طرح، ابعاد وسیعی در رژیم اسرائیل را باعث شده است. احتمال زیاد دارد که روش‌هایی که رژیم اسرائیل برای تخریب ایران در گذشته به‌کار می‌برده، مورد بررسی و بازبینی واقع شوند. این احتمال با پایین آمدن نتانیا‌هو از قدرت، قوی‌تر هم می‌شود.

فرا‌تر از همه، وقتی این جنگ به هر شکلی و تحت هر شرایطی به پایان برسد، رژیم ایران هم نمی‌تواند همان رژیم گذشته باقی بماند. از شروع تجاوزهای نظامی به ایران، تعدادی از مقامات بالای این رژیم در علن گفته‌اند که دولت باید با ملت از در آشتی برآید. از سوی دیگر همیشه وقتی تهدیده

۱ و دخالت‌های خارجی کاهش یافته‌اند، ایرانیان با اعتراضات مردمسالارانه و خشونت‌زدایانه، توانستند در مقابل رژیم مقاومت‌های موثری را از خود نشان دهند.

شکست اعتراضات ایرانیان یک دلیل عمده داشته است، و آن وارد کردن قدرت‌ها در مطالبات حقوقی بانه خود بوده است:

در سال ۱۳۸۸ قدرت داخلی وارد ماجرا شد، و قرار بود که با وارد کردن مهره‌هایی از قدرت داخلی، مانند رفسنجانی و میرحسین موسوی و کروبی، رژیم را به اصلاحاتی مجبور کنند. سرکوب و کشتار مردم، آتش آن جنبش خودجوش را زیر خاکستر کرد!

در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴، قدرت خارجی وارد ماجرا شد، و قرار بود با وارد کردن مهره‌هایی که خود را و ایران و ایرانیان را به قدرت‌های خارجی فروخته‌اند، تغییر رژیم را تحمیل کنند. این بار افسانه بر سرکوب و کشتار مردم توسط رژیم، سرکوب و کشتار مردم توسط بمب و موشک و قشون قدرتهای خارجی را هم شاهد بودیم. علاوه بر آن‌ها، پدیده جدید و باور نکردنی در این ماجرا که سرکوب و کشتار مردم را به ابعاد فاجعه‌بار مبدل کرد، جاسوسان مسلح قدرت‌های خارجی در خیابان‌های ایران بودند.

امید است که ما ایرانیان، از همه این تجربه‌های عواقب تلخ مراجعه به قدرت‌های داخلی و خارجی، درس‌های لازم را گرفته باشیم و بعد از پایان جنگ و رفع تهدیدهای دشمنان خارجی، با روش‌های مردمسالارانه و حقوق‌مدارانه و خشونت‌زدا، دشمنان داخلی را مجبور به یک گذار خشونت‌زدا از استبداد، به دموکراسی بکنیم.